شهرآرا
۲شنبه
۲۱ خرداد ۱۴۰۳
۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
شماره ۴۲۳۶
SHAHRARANEWS.IR
۰۸

جان‌دادن در جاده پرکندآباد

دیبا| مشخص نیست دقیقا موتورسواران کجا می‌خواسته‌اند بروند که تصادف، سفر راننده خودرو را نیز ابتر کرده بود. این موتورسواران هنگام تردد در جاده پرکندآباد درحالی دچار سانحه رانندگی می‌شوند که یکی از آن‌ها شبیه بسیاری از موتورسواران دیگر در جوانی راهی دیار باقی می‌شود. با اعلام سانحه رانندگی در حوالی مشهد، بلافاصله گشت تصادفات به‌همراه نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. با حضور مأموران و بررسی‌های ابتدایی، مشخص شد یک دستگاه خودرو پژوپارس با یک موتورسیکلت که دو راکب جوان داشته، برخورد کرده است. در این حادثه ترک‌نشین بیست‌ساله موتورسیکلت به‌علت شدت جراحات وارده‌شده در دم فوت کرد و دیگر راکب آن نیز مصدوم شد که توسط نیروهای امدادی به مراکز درمانی منتقل شد. علت تصادف توسط کارشناسان پلیس راهور در دست بررسی است.

فیلم‌هایی که سارقان را خلع سلاح کرد

سهیل دیبا| «گوشی پسر نوجوان را در یک لحظه غفلت مال‌باخته که در حاشیه خیابان با تلفن همراه صحبت می‌کرد، قاپید و گریخت.» مأموران انتظامی صحنه را چندبار به متهم نشان دادند. اول زیربار نمی‌رفت و مدعی بود که‌کار او نیست، اما همان لباسی را که در صحنه جرم تنش بود، هنوز به تن داشت و او انگار که خلع سلاح شده بود، به‌ناچار پذیرفت که این گوشی قاپی را خودش انجام داده است. چندین فیلم و تصویر دیگر هم به او نشان دادند که برخلاف انکار اولیه‌اش، همه راگردن گرفت و حتی هم‌دست دیگرش را هم لو داد. در این پرونده مأموران کلانتری میرزاکوچک‌خان از چندی پیش در تلاش برای دستگیری دو متهم به ده‌ها فقره گوشی قاپی در منطقه طلاب توانسته بودند یکی از آن‌ها را چهره‌زنی و دستگیر کنند. متهم در بازجویی‌های اولیه منکر هرگونه جرمی بود، اما در ادامه تحقیقات و مواجهه با تعدادی از مال‌باخته‌ها و فیلم‌های به‌دست‌آمده از صحنه سرقت، به بیست فقره گوشی قاپی با هم‌دستی یکی از دوستانش در شهر مشهد اعتراف کرد. در ادامه، هم‌دستش نیز دستگیر شد و در بازرسی از مخفیگاهش سه دستگاه تلفن همراه مسروقه و موتورسیکلتی که در سرقت‌ها استفاده می‌شد، کشف و توقیف شد. تحقیقات از متهمان برای کشف دیگر جرائم احتمالی و شناسایی و دستگیری افراد مال‌خر ادامه دارد.

دستگیری ۲ سارق روی داربست

جلائیان| مأموران کلانتری فراجا در شهرک فراجا مشغول گشت‌زنی بودند که دو مرد جوان را مشغول بازکردن داربست‌های فلزی یک ساختمان دیدند. هنوز اقدامات نمای ساختمان تمام نشده بود و بازکردن داربست‌ها کمی عجیب بود. از سویی، آن‌ها از مدتی قبل گزارش‌هایی دریافت کرده بودند که عده‌ای به‌صورت پنهانی و زمانی که کارگران برای استراحت، ساختمان‌های درحال احداث را ترک می‌کنند، اقدام به ربودن داربست‌ها می‌کنند. مأموران با زیرنظرگرفتن این افراد که آهن‌آلات بازشده را سوار وانت می‌کردند، مطمئن شدند که با سارقان داربست روبه‌رو شده‌اند. خودرو پلیس درست مقابل خودرو وانت این افراد توقف کرد و بلافاصله این دو نفر با هماهنگی قضایی دستگیر شدند. متهمان در مقر انتظامی راهی برای انکار جرائم خود نداشتند، به‌ویژه که در این میان نیز مالک ساختمان شناسایی شده و از این افراد شکایت کرده بود. متهمان درنهایت به هشت فقره سرقت داربست‌های فلزی در غرب مشهد اعتراف کردند.

نشت گاز یک خانه، یک محله را لرزاند

بخشنده| هرکدام از اعضای این خانواده برای انجام کارهای خود از منزل بیرون رفته بودند و کسی متوجه نشت گاز در آشپزخانه نمی‌شد. ساعتی پس از خروج آن‌ها به‌دلیل بسته‌بودن درها و پنجره‌ها، گاز در سرتاسر این خانه قدیمی منتشر شده بود. انباشت گاز در این واحد مسکونی تا آنجا ادامه پیدا کرد که ناگهان به‌دلایلی نامشخص در آشپزخانه انفجاری شدید رخ می‌دهد. به‌دنبال این انفجار، بخش زیادی از این ملک قدیمی تخریب شد و آتش به جان باقی‌مانده وسایل خانه افتاد. اهالی منطقه خواجه‌ربیع که این انفجار موجب لرزش خانه آن‌ها شده بود، نگران و مضطرب از سلامتی همسایه‌شان، بلافاصله گزارش این حادثه را به اطلاع پلیس و نیروهای امدادی رساندند. به‌دنبال این تماس‌ها، نیروهای امدادی آتش‌سوزی این خانه را مهار کردند و درکنار مأموران کلانتری خواجه‌ربیع با جست‌وجوی دقیق مطمئن شدند که در لحظه انفجار کسی در این ساختمان نبوده است. بررسی کارشناسان درباره علت این حادثه ادامه دارد، اما طبق برآورد کارشناسان آتش‌نشانی به‌دنبال این انفجار و حریق، بیش از ۱۰۰ میلیون تومان به خانه خسارت وارد شده است.

دیروز با اعلام رضایت اولیای دم از قاتل دختر ۲۳ساله اتفاق افتاد

جوان خواهرکش قصاص نمی‌شود

محمدجواد ابوعطا

گزارش

ماجرای پرونده خواهرکشی هرچند به هشتم اردیبهشت بازمی‌گردد، باید عقبه آن را لابه‌لای پچ‌پچه‌های درگوشی همسایه‌ها و اهالی روستای محل وقوع جرم جست‌وجو کرد. این صحبت‌های پنهانی و متلک‌پرانی‌ها از روزی آغاز شده بود که دختر بیست‌وسه‌ساله طلاق گرفته و به خانه پدرش در یکی از روستاهای حوالی مشهد برگشته بود. اهالی روستا با صحبت‌های مخفیانه و ریشخند به برادر هفده‌ساله این دختر، درواقع پسرک را تحریک کرده بودند تا منشأ این صحبت‌ها را از میان بردارد؛ مسئله‌ای که درنهایت هشتم اردیبهشت اتفاقی هولناک را رقم زد و برادری دستش به خون خواهرش آلوده شد.

مأموران پاسگاه سلطان‌آباد اولین افرادی بودند که گزارش قتل در حوزه استحفاظی‌شان را شنیده بودند و خودشان را به روستایی حوالی پیچ ساغروان در جاده مشهدگلبهار رساندند. افراد زیادی اطراف خانه‌ای که قتل اتفاق افتاده بود، تجمع کرده بودند. مأموران با هدایت اهالی خانه وارد آغل گوسفندان شدند؛ جایی که دختری با صورت کبود روی زمین افتاده بود و اعضای خانواده تنها کار مهمی که کرده بودند، تخلیه آغل ازگوسفندان بود.

رد دست روی گلو

بررسی‌های پلیسی نشان داد که دختر خفه شده است و هنوز رد دست قاتل روی گلوی او دیده می‌شد. افسران پاسگاه بلافاصله موضوع قتل را به بازپرس جنایی اطلاع دادند و تا رسیدن قاضی صادق صفری به محل جنایت، در اقدامی مؤثر مانع از گریختن احتمالی متهم به قتل شدند که جوانی هفده‌ساله بود.

با حضور بازپرس جنایی در محل، تحقیقات آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد که دختر صبح اول وقت برای رسیدگی به گوسفندان مثل هر روز وارد آغل شده و هنگام فعالیت ناگهان برادر کوچک‌ترش از پشت، دستانش را دورگردن او انداخته و آن‌قدر فشار داده که دختر نفسش به شماره افتاده و بعد هم خفه شده است. پس از انجام اقدامات نهایی، دستور انتقال جسد صادر شد و متهم نیز برای برگزاری جلسات بازپرسی به دادسرا منتقل شد.

خواهرم بدنام بود

حنظله (متهم به قتل) در جلسات بازپرسی به صراحت قتل خواهرش (ساجده) را از طریق انسداد شریان‌های حیاتی به‌علت بدنامی پذیرفت و در ادامه جلسات بازپرسی می‌گوید که خواهرش چند سال قبل ازدواج کرده و به خانه شوهرش رفته بود، اما از همان اول با همسرش اختلاف داشته است تا جایی که درنهایت طلاق می‌گیرد و دوباره به خانه پدرش در روستا بازمی‌گردد.

پسر جوان مدعی شد: ما خانواده خیلی شلوغی داریم و خانواده نمی‌تواند دقیقا برفتار فرزندان نظارت کند و همین شد که رفت‌وآمدهای مشکوک خواهرم آغاز شد. هم‌زمان صحبت‌های پنهانی بین اهالی روستا می‌چرخید که انگ بی‌ناموسی به ما می‌زدند. این‌ها همه ادامه داشت تا اینکه خواهرم از خانه فرار کرد و به شمال رفت. ما نمی‌دانستیم کجاست و چه می‌کند تا اینکه از بهزیستی با ما تماس گرفتند و مشخص شد که پلیس او را گرفته و به بهزیستی تحویل داده است. خانواده با مراجعه به بهزیستی او را به خانه برگرداند. این آغاز اختلاف‌های ما با او بود و حرف‌های پنهانی مردم نیز دیگر علنی شده بود و با خنده و شوخی به من متلک می‌انداختند و برای همین تصمیم گرفتم خودم کار را تمام کنم. درنتیجه زمانی که در طویله مشغول به‌کار بود، از پشت به او نزدیک شدم و دستانم را دورگردنش حلقه کردم و آن‌قدر فشار دادم تا بی‌حرکت شد.

با اعترافات متهم، او از چهل روز پیش با قرار موقت به‌کانون اصلاح و تربیت مشهد تحویل داده شد، اما دیروز والدین او در دادسرای ناحیه ۲ حاضر شدند و از قصاص پسرشان به‌عنوان اولیای دم صرف‌نظر کردند.

با اعلام رضایت خانواده مقتول، این جوان خواهرکش از لحاظ جنبه عمومی جرم به‌زودی پای میز محاکمه قرار خواهد گرفت.

عکس تزئینی است

شاگردان تنبل کلاس، دزد مدارس شدند

خبر

جلائیان| هیچ‌کدام دوران تحصیلی درخشانی نداشتند و هر سه نفر همیشه جزو دانش‌آموزان ضعیف کلاس بودند. آن‌ها سال‌ها پس از دوری از تحصیل، دوباره تصمیم گرفتند به مدرسه برگردند، اما این بار نه برای تحصیل بلکه برای دزدی. آن‌ها درحالی از مدارس سرقت می‌کردند که مدارس، تازه وارد فصل امتحانات شده بودند و سرقت از این اماکن، باعث ایجاد مشکلات متعددی برای دانش‌آموزان می‌شد. گزارش دستبردزدن این افراد به مدارس باعث شد تا سرهنگ حسین قدیمی، سرکلانتر شمال پلیس مشهد، به مأموران پاسگاه انتظامی توس دستور بدهد تا زمان دستگیری متهمان تحقیقات میدانی و گشت‌زنی هدفمندی را انجام دهند. به‌این‌ترتیب، تلاش پلیس برای دستگیری متهمان آغاز شد تا اینکه مأموران پاسگاه انتظامی توس درحال گشت‌زنی در حاشیه مدارس، سه جوان را در حاشیه کال زرکش روی دیوار یک مدرسه دیدند. مأموران بلافاصله با ایجاد حلقه محاصره راه فرار را روی سه متهم بستند و آن‌ها را درحالی که دو موتور کولر یک مدرسه را دزدیده بودند، دستگیر کردند. با انتقال متهمان به مقر انتظامی، آن‌ها در بازجویی‌های فنی به یازده فقره سرقت از مدارس در محدوده توس اعتراف کردند.

آرامش ابدی پس از سردردهای طولانی

خبر

بخشنده| چند روزی بود که از سردردهایش زیرفشار بود؛ سردردی که درنهایت به سکته مغزی علی ابراهیم‌آبادی منجر شد. این شهروند پنجاه‌وسه‌ساله اهل نیشابور به‌دلیل سکته بیهوش شد و خانواده‌اش با کمک اورژانس او را به بیمارستان حکیم نیشابور منتقل کردند. پس از پذیرش این مرد میان‌سال در بیمارستان، پزشکان با انجام اقدامات درمانی اولیه به بررسی وضعیت جسمانی او و انجام آزمایشات مختلف پرداختند، آزمایش‌هایی که همه آن‌ها یک نتیجه داشت و آن هم مرگ مغزی این بیمار بود. کادر درمانی بیمارستان حکیم درنهایت با تشریح وضعیت جسمانی بیمار برای خانواده‌اش، به آن‌ها پیشنهاد اهدای اعضای حیاتی او به بیماران نیازمند را دادند؛ پیشنهادی که این خانواده نیشابوری با آن موافقت کردند تا مقدمات انتقال پیکر او به بیمارستان منتصریه مشهد انجام شود. پس از انتقال پیکر این بیمار به اتاق عمل، کلیه‌های او به دو مرد چهل‌وهفت‌ساله ساکن مشهد اهدا شد. همچنین دو قرنیه او برای پیوند به دو بیمار دیگر به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی تحویل داده شد. در ادامه بخشی از پوست این مرحوم نیز به بخش سوختگی بیمارستان امام‌رضا(ع) تحویل داده شد.

عکس خبر

پایان سفر هوایی ۱۲۰ خزنده

ایلنا| پس از فرود یک هواپیما در فرودگاه امام‌خمینی(ره)، پلیس فرودگاه طبق روال عادی خود مشغول بازرسی چمدان مسافران بود که موفق به کشف ۱۲۰خزنده کم‌یاب در دو چمدان شد. این محموله عجیب روز گذشته درحالی کشف شد که یکی از مأموران فرودگاه در تصویر مانیتورینگ دستگاه ایکس‌ری، صدها چشم کوچک توجهش را جلب کرد. او از همکارانش خواست تا دو چمدان مدنظر را متوقف و بازرسی کنند. کاری که انجام شد و پلیس فرودگاه با بازکردن دو چمدان مدنظر با ۳۱مار برمس پایتون، ۵۹مارمولک ایگوانا و ۳۰لاک‌پشت سوئدی روبه‌رو شد.
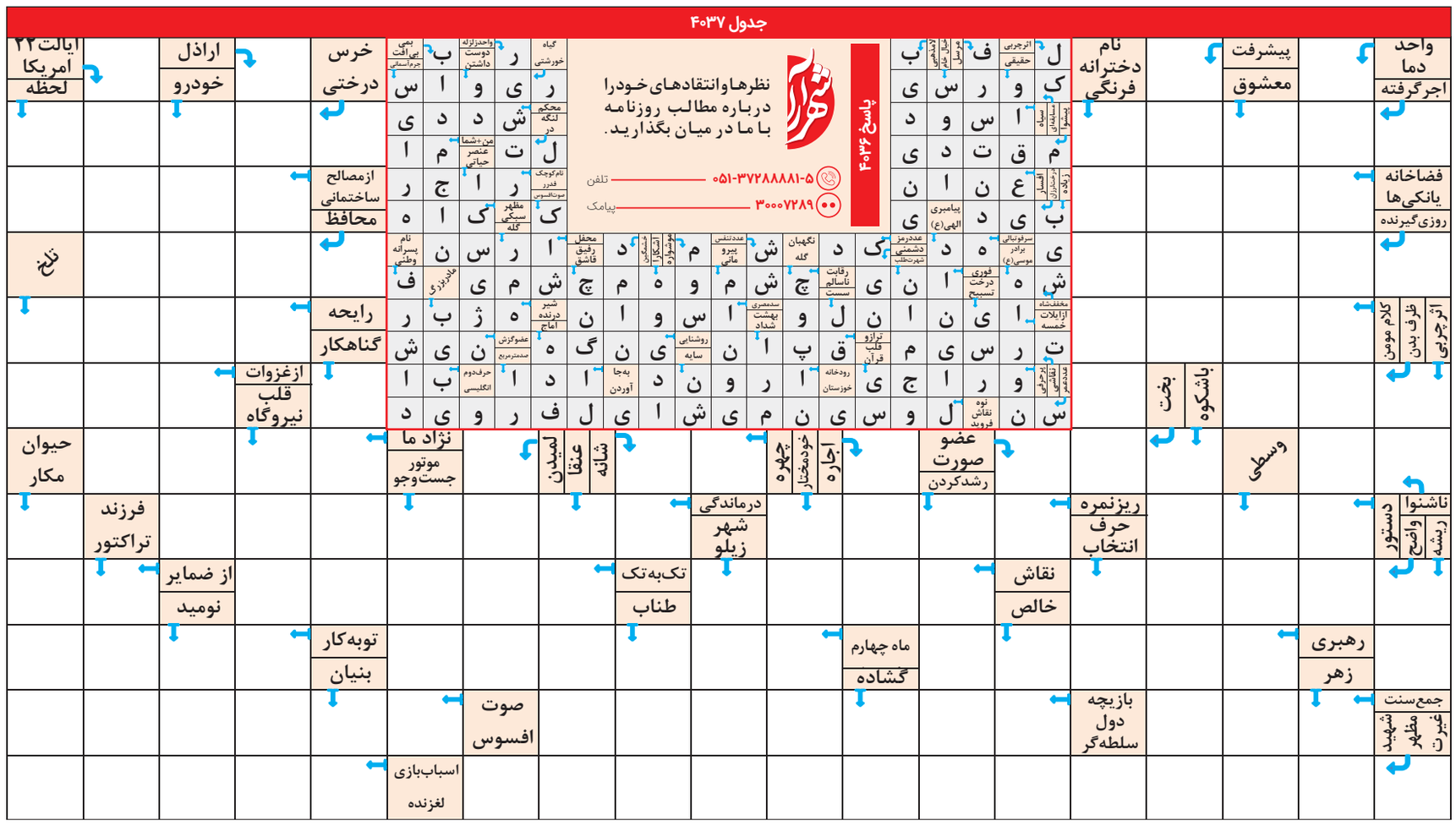
جدول ۴۰۳۷